

ارزیابی عملکرد نمایندگان ویژه
دبیرکل سازمان ملل به عنوان
میانجیان بین‌المللی در جنگ داخلی سوریه
(۲۰۱۱-۲۰۲۱)

دکتر رضا موسی زاده^۱
احسان محمدی^۲

^۱. استاد تمام و عضو هیئت علمی دانشکده روابط بین‌الملل، نویسنده مسئول Rmousazadeh8@gmail.com.

^۲. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد Ehsan.Mohamadi1366@yahoo.com.

چکیده

بدنبال اعتراضات مردمی در سوریه که از سال ۲۰۱۱ در ادامه تحولات کشورهای عربی ایجاد شد، حکومت سوریه به این اعتراضات واکنش خشونت آمیز نشان داد و در نتیجه درگیری‌ها در این کشور گسترش یافت. با ورود گروه‌های مسلح مخالف اسد و اشغال برخی از مناطق سوریه توسط آنها، اعتراضات مردمی به یک جنگ مسلحانه که امنیت غیر نظامیان را با مخاطره مواجه کرده بود، تبدیل شد. پس از عدم توانایی حکومت در حل بحران پیش آمده، سازمان ملل بنا به وظیفه خود در حفظ صلح و امنیت بین‌المللی وارد عمل شده و پس از تصویب قطعنامه ۶۶/۲۵۳ مجمع عمومی، در سال ۲۰۱۲ با انتخاب کوفی عنان بعنوان نماینده ویژه دبیرکل، ماموریت سازمان ملل در حل بحران سوریه آغاز شد. با تداوم بحران و عدم پیشرفت گفتگوهای بین‌المللی، برنامه‌های "کوفی عنان" راه به جایی نبرد و منجر به استعفای وی شد. پس از او سیاستمدار کهنه کار الجزایری "اخضر ابراهیمی" و سپس "استفان دی میستورا" و نفر چهارم هم "گیر پدرس" ماموریت میانجیگری سازمان ملل را پیگیری نمودند. در این پژوهش تلاش شده با مرور بحران سوریه ضمن ارزیابی تحولات ماموریت‌های میانجیگری سازمان ملل، میزان موفقیت و کارآمدی آنها مورد بررسی قرار گرفته و نقش نمایندگان ویژه دبیرکل و عملکرد آنها در کاهش تنش‌ها نیز مطالعه شود. در طول مدت عمر سازمان ملل، ماموریت‌های میانجیگری این سازمان نیز دچار تحولات خاصی شده‌اند که تعیین نمایندگان ویژه دبیرکل و اهمیت کار آنها از جمله این تحولات است. علاوه بر آن، پس از انجام این پژوهش این نتیجه حاصل شد که جهت موفقیت یک ماموریت میانجیگری از سوی سازمان ملل، حمایت، تعامل و همکاری قدرت‌های جهانی و منطقه‌ای امری ضروری بوده و وجود اختلاف میان قدرت‌های مذکور بر عملکرد نمایندگان ویژه اثری منفی و مخرب دارد. از اینرو، یکی از مهمترین علل ناکامی سازمان ملل در توقف خشونت‌ها و ایجاد صلح پایدار در سوریه، وجود اختلاف میان ایران، ترکیه و عربستان بعنوان قدرت‌های منطقه‌ای و آمریکا و روسیه بعنوان قدرت‌های جهانی بود که عمده این اختلاف نظر هم حول محور آینده سیاسی اسد می‌باشد.

• واژگان کلیدی

ماموریت‌های میانجیگری، سازمان ملل، نمایندگان ویژه دبیرکل، سوریه.

حل و فصل اختلافات از جمله موضوعات اساسی در حقوق بین الملل بشمار می رود. در حالی که تمرکز بیشتر پژوهش ها در این زمینه بر روش های حقوقی حل و فصل اختلافات است، این روش های سیاسی حل و فصل اختلافات هستند که بیشترین کاربرد را برای حل و فصل اختلافات بین المللی دارند. اگرچه از میان این روش ها مذاکره بیشترین اهمیت را دارد؛ اما میانجیگری نیز در عصر حاضر با توجه به عناصر انعطاف پذیری، کارآمدی و کم هزینه بودن، بیش از پیش مورد توجه قرار گرفته است. در این زمینه بطور برجسته می توان به نقش دبیرکل و سازمان ملل در حل و فصل اختلافات بین المللی اشاره کرد. میانجیگری بعنوان یکی از روش های حل و فصل سیاسی اختلافات بین المللی که در ماده ۳۳ منشور ملل متحد بدان اشاره شده است، مبتنی بر مداخله یک طرف ثالث بی طرف برای حل و فصل اختلافات است. میانجیگری مرحله پیشرفته تر مساعی جمیله از حیث مداخله ثالث بشمار می رود. اما مسأله قابل توجه در میانجیگری، تحولاتی است که در اجرای این روش در طول زمان ایجاد شده است. میانجیگری در گذر زمان از یک روش ابتدایی که از طریق کدخدامنشی انجام می شد، به یک روش نظام مند و دارای ساز و کارهای مشخص تبدیل شده است. بر اساس بررسی موارد میانجیگری، اعتبار و قدرت میانجی نقش مهمی در موفقیت میانجیگری داشته است. در آغاز فعالیت سازمان ملل، اغلب، میانجیگری توسط دولت ها انجام می گرفت؛ اما با گذر زمان نقش اشخاص و چهره های برجسته بین المللی و نمایندگان ویژه دبیرکل در انجام ماموریت های میانجیگری اهمیت یافت. نقش قدرت های جهانی، منطقه ای و محلی و نقش گروه های جامعه مدنی مانند گروه های جوانان و زنان، از دیگر عوامل تاثیرگذار بر موفقیت یا عدم موفقیت یک ماموریت میانجیگری محسوب می شوند.

اهمیت و ضرورت انتخاب موضوع

دبیرکل ملل متحد به علت موقعیت خاص خود و حضور در تمام جلسات مجمع عمومی و شورای امنیت و سایر ارکان سازمان ملل متحد، همواره می تواند شخصا در مواردی که از سوی شورا یا مجمع عمومی ماموریتی به او داده می شود از طریق مساعی جمیله و میانجیگری، کشورهای درگیر بحران و نزاع را در یافتن راه حل های منصفانه یاری دهد. میانجیگری و پادرمیانی دبیرکل در اختلافات بین دولت ها صرفا یک مداخله سیاسی است؛ یعنی وی در

میانجیگری خود به قضاوت ماهوی نمی پردازد، بلکه زمینه را برای حل و فصل مسالمت آمیز اختلافات پیش آمده، مهیا می کند. میانجیگری که توسط دبیرکل سازمان ملل انجام می شود ممکن است یا به ابتکار خود دبیرکل باشد و یا به درخواست طرفین اختلاف و یا از سوی مجمع عمومی و یا شورای امنیت به وی تفویض شده باشد. نقش میانجیگری دبیرکل ملل متحد در حل و فصل اختلافات بین المللی و جلوگیری از وقوع آنها، از منشور ملل متحد نشأت می گیرد. طبق ماده ۹۸ منشور، دبیر کل علاوه بر ظرفیت شرکت در تمام جلسات مجمع عمومی، شورای امنیت، شورای اقتصادی و اجتماعی، وظایف دیگری که توسط این ارگان ها به وی واگذار شود را می تواند انجام دهد. این وظایف اغلب شامل کارکردهایی در زمینه حل و فصل اختلافات بین المللی می باشد. ماده ۹۹ تصریح می کند که دبیرکل ممکن است هر موضوعی را که به نظر وی صلح و امنیت بین المللی را به مخاطره می اندازد به شورای امنیت ارجاع دهد. همانطور که ملاحظه می شود منشور در ماده ۹۹ به جای استفاده از عبارات "وضعیت" و "اختلاف"، از عبارت موسع "هر موضوعی" (any matter) استفاده نموده است. بنابراین دبیرکل ممکن است نه فقط یک اختلافی که در جریان است، بلکه هر موضوعی را که تشخیص دهد صلح و امنیت بین المللی را به مخاطره انداخته است به دستور کار شورای امنیت ارجاع دهد (Skjlsbaek, 1991: 102).

نقش دبیرکل بعنوان یک بازیگر برجسته صلح ساز با انجام اقدامات گسترده تحول یافته است. دامنه فعالیت های انجام شده توسط دبیرکل شامل مساعی جمیله^۱، میانجیگری^۲، تسهیل روند گفتگو و حتی داوری^۳ است. دبیر کل ممکن است خود اقدام کند یا می تواند نمایندگان و فرستاده های ویژه ای^۴ را برای انجام مساعی جمیله و میانجیگری از طرف خویش منصوب نماید. دبیرکل سازمان ملل در حل و فصل اختلافات بین المللی نقش حساس و دوگانه ای دارد. از یکسو می کوشد توصیه ها، تصمیمات و نظرات شورای امنیت و مجمع عمومی را در این زمینه تحقق بخشد و از سوی دیگر بعنوان یک شخصیت مستقل و مورد اعتماد بین المللی می تواند به اعتبار موقعیت خویش، در حل و فصل اختلافات بین المللی موثر باشد که این اثرگذاری نیز تا حدود زیادی به همکاری طرفین اختلاف و همچنین نظرات اعضای دائمی شورای امنیت وابسته است (فریدی عراقی، ۱۳۶۹: ۷۰). بطور معمول دبیرکل تا جایی ادامه ماموریت میانجیگری را لازم می داند که احتمال موفقیت در آن و پیشرفت کار وجود داشته

1. Good offices

2. Mediation

3. Arbitration

4. Special Envoys of Secretary General

باشد. به عبارتی، هرگاه به تشخیص دبیرکل، روند میانجیگری پیشرفت قابل ملاحظه ای نداشته باشد، ماموریت میانجیگری سازمان ملل متوقف و سایر شیوه های حل و فصل اختلافات بین المللی از جمله طرق حقوقی به طرفین اختلاف پیشنهاد می گردد. بعنوان مثال، در اختلافات مرزی بین دو کشور گویان و ونزوئلا، بان کی مون دبیرکل وقت، در سال ۲۰۱۶ تصمیم گرفت روند مساعی جمیله و میانجیگری سازمان ملل که از سال ۱۹۹۰ آغاز شده بود یکسال دیگر ادامه پیدا کند و اگر در سال ۲۰۱۷ آنتونیو گوترش جانشین وی به این نتیجه رسید که روند میانجیگری پیشرفت قابل ملاحظه ای نداشته، دیوان بین المللی دادگستری را جهت حل و فصل اختلاف طرفین تعیین نماید؛ مگر اینکه آنها از پذیرش آن خودداری ورزند. در نهایت، در سال ۲۰۱۷ زمانی که عدم پیشرفت روند میانجیگری برای گوترش محرز گردید وی طبق پیشنهاد دبیرکل پیشین عمل نمود (International Court of Justice, 2020).

ماده ۱۰۱ منشور ملل متحد نقش دبیرکل در خصوص تعیین پرسنل دبیرخانه را تشریح نموده است:

۱- کارمندان بوسیله دبیرکل و بر طبق قواعدی که از طرف مجمع عمومی مقرر می شود معین می گردند.

۲- کارمندان مناسبی بطور دائم به شورای اقتصادی و اجتماعی و به شورای قیمومیت و عندالاقضاء به سایر ارکان ملل متحد تخصیص داده خواهند شد. این کارمندان قسمتی از دبیرخانه را تشکیل خواهند داد.

۳- در استخدام کارمندان و تعیین شرایط خدمت آنان، شاخصی که بیش از هر چیز ملحوظ خواهد شد، تامین عالی ترین درجه کارآیی و صلاحیت و درستی می باشد. به اهمیت استخدام کارمندان براساس تقسیمات جغرافیایی هرچه وسیع تر توجه لازم مبذول خواهد گردید.

با توجه به ماده فوق، نماینده ویژه دبیرکل (SESG)، یک مقام ارشد سازمان ملل متحد است که توسط دبیرکل منصوب می شود تا به مجموعه موضوعات خاصی رسیدگی نماید. هنگامی که فرمان رسیدگی به موضوعی خاص توسط شورای امنیت صادر می شود، دبیرکل طی مشورت با شورای امنیت می تواند افراد صلاحیت داری را بعنوان نماینده ویژه خود و یا به عنوان رئیس یک مأموریت شورای امنیت تعیین کند. در حوزه میدانی نمایندگان ویژه دبیرکل و همکارانشان تلاش می نمایند از طریق دیدارها و تبادل پیام های سیاسی با شرکای منطقه ای و بین المللی، یک محیط سیاسی حمایتی بوجود آورند.

بحران سوریه شرایطی را ایجاد کرد که در آن سازمان ملل متحد بعنوان نهاد اصلی حفظ صلح و امنیت بین المللی نقش خود را ایفا نموده و از طرق مختلف به حل و فصل اختلافات آن

کمک نماید. بنابراین، بررسی عملکرد آن سازمان بین المللی در بحران سوریه می تواند بیانگر نقش اصلی ایفا شده و میزان موفقیت و کارایی آن در بحران مذکور باشد.

روش تحقیق

سازمان ملل متحد بویژه در سالهای اخیر تلاش قابل ملاحظه ای برای حل و فصل اختلافات در محل های مناقشه داشته است. یکی از موارد این تلاش ها میانجیگری بین طرفین مناقشه از طریق تعیین میانجی بوده است. بررسی عملکرد این ماموریت های میانجیگری را بی تردید می توان با مشاهده وضعیت اختلاف و میزان توانمندی ها، فرصت ها و چالش های پیش روی ماموریت های میانجیگری به صورت کیفی ارزیابی نمود. مطالعه این مسأله نیازمند توصیف شرایطی است که اختلاف در بستر آن رخ داده و توسعه یافته است. نمونه سوریه بعنوان موردی که در اثر شرایط بیرونی، اختلاف همچنان بین طرفین ادامه دارد، نمونه مناسبی برای بررسی میزان کارآمدی و نحوه عملکرد میانجیگری های ملل متحد است. به این ترتیب، روش تحلیلی-توصیفی کیفی و روش کتابخانه ای، روش تحقیق مورد استفاده در این مطالعه خواهد بود.

ایجاد درگیری های داخلی سوریه

بدنبال تحولاتی که از آن با عنوان بیداری اسلامی یاد می شود، در مارس ۲۰۱۱ اعتراضات ضد حکومتی در سوریه فوران کرد. تا پایان همان سال درگیری مسلحانه میان نیروهای دولتی و شورشیان مخالف ایجاد شد. (Hafeezullah Khan and Waseem Khan, 2017: 591) طی زمان، درگیری های مسلحانه میان مردم و نیروهای حکومتی ایجاد و رفته رفته به جمعیت معترضان در شهرهای مختلف این کشور افزوده شد. منازعات به حومه مرکز دمشق کشیده شده حلب به منطقه جنگی تبدیل شد و در ژوئیه ۲۰۱۲ صلیب سرخ وقوع جنگ داخلی در سوریه را اعلام کرد. با ایجاد و توسعه گروه های تروریستی همچون جبهه النصره، تنش ها در سوریه افزایش پیدا کرد و امنیت غیر نظامیان و مردم عادی بیش از پیش با خطر مواجه شد که این موضوع حل و فصل بحران سوریه در اسرع وقت را می طلبد.

ایجاد ماموریت میانجیگری سازمان ملل در سوریه

در فوریه سال ۲۰۱۲ بدنبال افزایش تنش ها در سوریه و توهای روسیه و چین در شورای امنیت، مجمع عمومی سازمان ملل طی قطعنامه شماره ۶۶/۲۵۳ از دبیرکل خواست تا نماینده ویژه ای جهت حمایت از تلاش های میانجیگرانه اتحادیه کشورهای عرب انتخاب نماید. از زمان

افزایش تنش ها، اتحادیه عرب تلاش های میانجیگرانه خود را انجام داده بود اما استمرار میانجیگری میان طرفین درگیری توسط آن اتحادیه دیگر میسر نبود چراکه طرفین درگیری دیگر منافعی برای خود در مذاکرات و توافقات تقسیم قدرت متصور نبودند و در عوض بدنبال کسب پیروزی های نظامی بودند. حکومت سوریه به اتحادیه عرب اعتماد نداشت و از نوامبر ۲۰۱۱ عضویتش در این اتحادیه به حالت تعلیق در آمده بود؛ زیرا از نظر سران اتحادیه، حکومت سوریه از خود اراده و اشتیاق لازم برای اجرای ابتکارات حل بحران را نشان نمی داد. اتحادیه عرب تحریم های سیاسی و اقتصادی را بر سوریه وضع اما از اقدام نظامی اجتناب کرد. در سال ۲۰۱۲ طرح ابتکار چهار کشور اسلامی که توسط محمد مرسی رئیس جمهور وقت مصر و نمایندگانی از ایران، عربستان و ترکیه تدوین شده بود، بدلیل کارشکنی و مخالفت عربستان در سطح وزرای خارجه مطرح نشد. (Theodoulou, Michael, 2012) به گفته آقای حسین امیرعبداللهمیان معاون وقت عربی افریقای وزارت امور خارجه توقف فوری خشونت ها، حفظ وحدت، حاکمیت و تمامیت ارضی سوریه و مخالفت با هرگونه مداخله خارجی از مفاد مهم ابتکار مرسی بود. پس از شکست اتحادیه عرب در حل بحران سوریه، در سازمان ملل ابتدا اقدامات در شورای امنیت متمرکز شد. در حالی که امریکا، انگلیس و فرانسه خواستار اجرای شرایط سختی بودند که اتحادیه عرب برای سوریه وضع کرده بود، روسیه و چین مخالف هرگونه حمایت آشکار و پنهان از تغییر رژیم در سوریه بودند و همین موضوع موجب وتوی پیش نویس قطعنامه ماه فوریه شورای امنیت توسط روسیه و چین بود (Lundgren, 2016: 3). اگرچه منشور ملل متحد وظیفه اولیه حفظ صلح و امنیت بین المللی را به عهده شورای امنیت گذاشته است، اما این صلاحیت انحصاری نبوده و به هر دلیلی اگر شورای امنیت از اتخاذ تصمیمات مورد نیاز ناتوان باشد، ارکان دیگر هم با حفظ اولویت می توانند وارد عمل شوند. بنابراین، از این منظر مجمع عمومی سازمان ملل صلاحیت ورود به موضوع سوریه را داشته است همانطور که در مسئله فلسطین نیز مداخله کرده بود. در نتیجه، موضوع به مجمع عمومی کشانده شد و براساس قطعنامه ۶۶/۲۵۳ مجمع عمومی در فوریه ۲۰۱۲، بان کی مون، کوفی عنان را بعنوان نخستین نماینده خود و میانجی مشترک سازمان ملل و اتحادیه عرب جهت حل بحران سوریه انتخاب نمود. قطعنامه ۶۶/۲۵۳ که در تاریخ ۱۶ فوریه ۲۰۱۲ در مجمع عمومی تصویب شد با تاکید بر قطعنامه های قبلی شورای حقوق بشر (Human Rights Council Resolutions S-16/1, S-17/1, S-18/1, 2011) و قطعنامه ۶۶/۱۷۶ سال ۲۰۱۱ مجمع عمومی، نگرانی خود را از جنایات حقوق بشری و اعمال خشونت توسط مقامات سوری علیه مردم سوریه ابراز می نمود. در ادامه با استناد به منشور ملل متحد، نقش سازمان های منطقه

ای در حل بحران سوریه مورد تاکید قرار می گیرد. همچنین، مجمع عمومی تعهد قوی خود به حاکمیت، استقلال و تمامیت ارضی جمهوری عربی سوریه را یادآور گشته و نیاز به حل بحران سیاسی سوریه بطور مسالمت آمیز را مورد تاکید قرار می دهد و متذکر می گردد همه دولت ها باید از انجام هرگونه اقدامی که تمامیت ارضی و استقلال سیاسی کشوری را با خطر مواجه می کند، اجتناب نمایند. قطعنامه استمرار گسترده جنایات حقوق بشری و نقض آزادی های بنیادین توسط مقامات سوری مانند اعمال زور علیه غیر نظامیان، اعدام های خود سرانه، قتل و شکنجه و آزار معترضان، مدافعان حقوق بشر، روزنامه نگاران را شدیداً محکوم می نماید و از تمامی طرف های درگیری شامل گروه های مسلح می خواهد فوراً جنایات و انتقام جویی های خود را طبق ابتکار عمل اتحادیه عرب متوقف نمایند. علاوه بر این، از دولت سوریه می خواهد بر اساس برنامه و تصمیمات اتحادیه عرب در سالهای ۲۰۱۱ و ۲۰۱۲ (League of Arab States, 2011) بدون اتلاف وقت عمل نموده و ضمن توقف خشونت ها، بازداشتی های خودسرانه اتفاقات اخیر آزاد شوند، نظامیان و نیروهای مسلح سوریه از سطح شهرها خارج شوند، آزادی اعتراضات مسالمت آمیز تضمین شود، و دسترسی کلیه نهاد ها و رسانه های اتحادیه عرب و رسانه های بین المللی جهت ارزیابی و نظارت بر اقدامات میدانی حکومت سوریه و همچنین اقدامات بشردوستانه تامین گردد. در انتها نیز مجمع از دبیرکل وقت آقای بان کی مون و تمامی ارکان ذی ربط سازمان ملل می خواهد هم از طریق مساعی جمیله و انتخاب یک نماینده ویژه و هم از طریق کمک های مادی و فنی از کوشش های اتحادیه عرب پشتیبانی نماید و ظرف مدت پانزده روز از اقدامات انجام شده براساس این قطعنامه گزارشی توسط دبیرکل ارائه گردد (UN General Assembly Resolution 66/253, 2012). در این قطعنامه، موضوع مواردی از جنایت علیه بشریت مورد شناسایی قرار گرفت. همچنین، در بندی از آن صحبت از "طرف های درگیر" شده است. این یعنی مجمع عمومی سازمان ملل، درگیری موجود در سوریه را یک درگیری مسلحانه غیر بین المللی تشخیص داده است. اگرچه قطعنامه مذکور یک قطعنامه توصیه ای محسوب شده و از الزام آوری خفیفی برخوردار بود، باید گفت ۱۳۷ رای مثبتی که در مقابل ۱۲ رای منفی موجب صدور آن شد، فشار افکار عمومی بر مخالفان آن را افزایش داد.

نمایندگان ویژه دبیرکل و تلاش های میانجیگرانه آنان از ۲۰۱۲ تا ۲۰۲۱

با گسترش و وخامت بحران سوریه و تحت تاثیر قرار گرفتن صلح و امنیت منطقه، سازمان ملل متحد از سال ۲۰۱۲ اقدام به تعیین نماینده ویژه از سوی دبیرکل جهت انجام ماموریت

میانجیگری در این کشور نمود. در این مدت چهار نماینده ویژه از سوی دبیرکل تعیین شدند که در ادامه عملکرد و اقدامات هر یک از آنها تا اواسط سال ۲۰۲۱ مورد بررسی و ارزیابی قرار می گیرد.

الف) کوفی عنان^۱: در فوریه سال ۲۰۱۲ و در پاسخ به قطعنامه ۶۶/۲۵۳ مجمع عمومی، کوفی عنان توسط بانکی مون دبیرکل وقت سازمان ملل انتخاب شد. کوفی عنان خیلی زود مشغول انجام اموری از قبیل مشاوره گسترده، جلسه با نمایندگان دولت سوریه در سازمان ملل، ملاقات با ذی نفعان در خاورمیانه همچون مصر، قطر و ترکیه و رایزنی با بشار اسد و همچنین نمایندگان مخالفین شد. استراتژی کلی وی بکارگیری اهرم های خارجی برای دستیابی به توافق آتش بس بود تا از این طریق فضای مناسب برای رقابت سیاسی داخلی و تحولات گسترده در حکومت سوریه ایجاد گردد. عنان برای ایجاد یک نقطه کانونی برای مذاکرات، برنامه صلح شش ماده ای را تهیه و یک چارچوب برای نیل به آتش بسی تحت نظر تعیین نمود که می توانست منجر به یک روند سیاسی به رهبری سوریه شود. از موارد مطروحه در چارچوب طرح عنان می توان به: توقف عملیات نظامی علیه غیر نظامیان، خروج نیروهای نظامی از مناطق شهری، مجوز برگزاری تظاهرات مسالمت آمیز، آزادی زندانیان سیاسی، ارسال کمک های بشردوستانه و انجام گفتگوهای سیاسی بین طرفین درگیری اشاره نمود (ساعتچی، ۱۳۹۷: ۶). پس از چند هفته دیپلماسی خشن و اعمال فشار بر حکومت سوریه، آتش بس شکننده ای در صبح روز ۱۲ آوریل ۲۰۱۲ برقرار شد. برای حمایت و پشتیبانی از آتش بس، سازمان ملل یک گروه ۳۰۰ نفری را جهت نظارت بر اجرای آتش بس به سوریه اعزام نمود. در نتیجه انجام گشت های نظارتی این گروه در سراسر کشور، شدت خصومت ها به مدت شش الی هشت هفته کاهش یافت. با این حال، از آنجاکه طرفین درگیری علاقه و منفعتی در اعتماد سازی نداشتند و دستیابی به اهداف خود را از طرق نظامی دنبال می کردند، آتش بس محکوم به شکست بود. در اوایل ماه ژوئن بخش های اصلی مخالفان، تعهدات خود را نسبت به آتش بس نادیده گرفته و در نتیجه ناظران سازمان ملل مجبور به توقف عملیات های نظارتی خود شدند. خشونت ها دوباره شدت پیدا کرد، آزادی حرکت و جابجایی ناظران بطور فزاینده ای محدود شد و گشت های آنها چندین بار مورد تهاجم قرار گرفت.

در اواخر ژوئن سال ۲۰۱۲ کوفی عنان گروه به اصطلاح "اقدام برای سوریه"^۲ را در ژنو دور هم جمع نمود. دبیران کل سازمان ملل و اتحادیه عرب، وزرای خارجه چین، فرانسه، روسیه، انگلیس، امریکا، ترکیه، عراق، کویت، قطر و نماینده عالی اتحادیه اروپا از حضار جلسه بودند. از

^۱ Kofi Annan

^۲ Action for Syria

ایران در عین حال که یکی از بازیگران مهم منطقه ای محسوب می شد برای حضور در این نشست دعوتی به عمل نیامد. در نشست ژنو حامیان بین المللی و منطقه ای حکومت سوریه و همچنین گروه مخالفان، در مورد اعلامیه ژنو^۱ به توافق رسیدند؛ به عبارت دیگر، توافق کردند درگیری ها را از طریق انتقال سیاسی قدرت به سوی سوریه ای کثرت گرا و دموکراتیک کاهش دهند. قرار بود این فرآیند توسط یک نهاد حاکم انتقالی با اختیارات اجرایی کامل و متشکل از نمایندگان مخالفان و حکومت، شکل بگیرد (Asseburg, Lacher and Transfeld, 2018: 36). پس از این توافق، تصور می شد که قدرت های جهانی و منطقه ای نسبت به یک رویکرد مشترک باهم متحد شده اند اما در نتیجه تفاسیر و برداشت های متضاد و متفاوتی که از توافقنامه شکل گرفت، بویژه تحت تاثیر در خواست بشار اسد برای قرار گرفتن در فرآیند سیاسی آینده، توافق به سرعت رو به ابطال پیش رفت. در تابستان سال ۲۰۱۲ عنان ناامیدانه بدنبال حل اختلافات بین المللی و تضعیف پشتیبانی روسیه از حکومت سوریه بود اما تلاش هایش بی فایده بود. بدنبال عدم همکاری امریکا و روسیه و پیشرفت مخالفان در کسب موفقیت های نظامی، در نهایت، کوفی عنان شدیداً از ادامه کار ناامید شد و ضمن انتقاد از قدرت های منطقه ای و بین المللی بدلیل عدم حمایت از تلاش های وی و عدم تامین نوعی اهرم اجرایی مورد نیاز طرح وی، از ماموریت خود استعفا داد (Lundgren, 2016: 4).

یکی از نقاط ضعف طرح صلح شش ماده ای و اعلامیه ژنو، تکیه بیش از حد بر فشار خارجی بر حکومت سوریه برای پذیرفتن محدودیت هایی بود که منجر به تقویت مخالفانش می شد. همچنین، آتش بس می توانست برای رژیم اسد به معنای گسترش و توسعه تظاهرات به شهرهای دیگر و ارسال تسلیحات از سوی حامیان خارجی به گروه های ضد رژیم باشد. درحقیقت، اعلامیه ژنو برنامه ای برای تغییر رژیم از طرق مسلمان آمیز بود که حکومت سوریه تا حدودی متوجه آن شده بود (Hinnebusch, Zartman, Parker and Imady, 2016: 10).

ب) اخضر ابراهیمی^۲: پس از ناکامی سال ۲۰۱۲-۲۰۱۱، تلاش های بین المللی جهت یافتن راه حلی برای بحران سوریه البته با معیارهای کمتر بلندپروازانه ادامه یافت. بعد از استعفای کوفی عنان، اخضر ابراهیمی در تاریخ ۱۷ اوت سال ۲۰۱۲ نمایندگی حل بحران سوریه را از طرف سازمان ملل پذیرفت. ابراهیمی وزیر خارجه سابق الجزایر با تجربه کار طولانی مدت در سازمان ملل بود. ابراهیمی در مقایسه با عنان رویکردی محتاطانه و مشاوره ای تر

¹. Geneva Communiqué

². Lakhdar Brahimi

برگزید و حداقل در آغاز کار تلاش نمود طرفین درگیری را متقاعد نماید که ادامه جنگ بیهوده بوده و هزینه های گزاف بشردوستانه ای بر مردم تحمیل شده است. در ورای تلاش های ابراهیمی، اعلامیه ژنو با تأکیدش بر تغییر رژیم به همراه برخی دیگر از اجزاء طرح عنان از قبیل آتش بس کلی تحت نظارت های بین المللی همچنان از محورهای میانجیگری وی باقی ماند. (Lundgren: 5) ابراهیمی ماموریت خود را با ایجاد ارتباط با طرفین درگیری از جمله بشار اسد آغاز نمود. او بطور مکرر تأکید می کرد هیچ راه حل نظامی برای این درگیری ویرانگر وجود ندارد و تنها یک راه حل سیاسی می تواند پایانی برای آن باشد. اولین دیدار ابراهیمی و بشار اسد در ۱۵ سپتامبر، صمیمی و با آرزوی موفقیت در میانجیگری بود، اما در ملاقات دوم در ۲۱ اکتبر زمانی که ابراهیمی مساله استعفای اسد را مطرح نمود، وی به انتخاب شدن مشروع خود استدلال کرده و کناره گیری را غیرقابل تصور دانست. پس از آن حکومت سوریه ابراهیمی را به جانبداری محکوم کرد و بنابراین وی تا یک سال بعد به دمشق بازنگشت.

بعد از شکست آتش بس چهار روزه اکتبر ۲۰۱۲، ابراهیمی ارتباطاتی با غیر نظامیان و گروه های مخالف مسلح به همراه گروه های ائتلاف ملی در تبعید و همچنین گروه های جامعه مدنی داخلی و خارجی ایجاد نمود. یکی از چالش هایی که ابراهیمی با آن مواجه بود یافتن یک مذاکره کننده مشروع از میان گروه های مخالفان بود که بتواند با اسد مذاکره کند. در ۱۲ دسامبر ۲۰۱۲ امریکا بطور رسمی "ائتلاف ملی نیروهای انقلابی و مخالفان سوریه"^۱ را بعنوان نماینده مشروع مردم سوریه برسمیت شناخت. اگرچه این ائتلاف در خارج مشروعیت داشت؛ اما داخل سوریه وضعیت اینطور نبود. بطوری که در سال های ۲۰۱۳ و ۲۰۱۴ که حکومت به پیروزی های نظامی دست یافت و گروه "مخالفان در تبعید" به سمت مذاکره روی آوردند، با خصومت مخالفان ضد حکومتی در داخل سوریه مواجه شدند. ابراهیمی زمانی که دید مخالفان به صدها گروه تحت حمایت قدرت های خارجی رقیب مانند قطر، عربستان و ترکیه تقسیم شده اند و ائتلاف ملی حقیقی برای مذاکره با حکومت جهت دستیابی به توافق وجود ندارد، به این نتیجه رسید که ایجاد یک چنین ائتلاف ملی مستلزم وارد آمدن فشار از سوی قدرت های بزرگ و قدرت های منطقه ای می باشد. به منظور ایجاد اهرم فشاری بر مخالفین، ابراهیمی بخش مهمی از ماموریت خود را به ایجاد ارتباط با حامیان خارجی گروه های مخالفین بویژه رهبران عربستان، ترکیه و قطر اختصاص داد. در ابتدا، ابراهیمی دریافت که پادشاه وقت عربستان عبدالله قصد کمک به وی را دارد اما زمانی که مشخص شد ابراهیمی قصد پیگیری دستور کار اتحادیه عرب را ندارد، روابطشان به سردی گروید و پس از آن و با توجه به دشمنی

^۱. National Coalition of Syrian Revolutionary and Opposition Forces

اتحادیه عرب با بشار اسد، اتحادیه عرب برای ابراهیمی به یک مانع جهت انجام میانجیگری تبدیل شد. ابراهیمی جهت اعمال نفوذ بر بشار اسد به سمت ایران متمایل شد. ایرانی ها به وی اطمینان دادند که بحران از طریق مذاکره و انتخابات آزاد و عادلانه باید حل شود و این امر باید تحت سازماندهی و نظارت سازمان ملل باشد و علاوه بر آن ضمن تایید موقعیت اسد، ماندن او در آینده قدرت را در صورت تمایل وی مجاز و قانونی اعلام کردند. با این حال، وقتی ابراهیمی طرح چهار محوری ایران را بدون مشورت با اتحادیه عرب به شورای امنیت ارائه داد، اعضای این اتحادیه بویژه عربستان بشدت عصبانی شده و اعلام کردند نقشی برای ایران جهت مداخله در امور کشورهای عربی قائل نیستند (Hinnebusch, Zartman, 2016: 14).

پس از آنکه در ۶ مارس ۲۰۱۳ اتحادیه عرب کرسی سوریه را به گروه مخالفان دادند، ابراهیمی تلاش های منطقه ای خود را ناکام دید و به سوی روسیه و امریکا گرایش پیدا کرد. وی جلسه ای با حضور وزرای خارجه قدرت های بزرگ به منظور تبدیل اعلامیه ژنو به یک طرح انتقالی کامل، تشکیل داد. در این طرح، دولت انتقالی با اختیارات اجرایی کامل پیش بینی شده بود. اما ادامه کار بر سر موضوع آینده بشار اسد به مشکل برمی خورد. روسیه طرح پیشنهادی امریکا درخصوص ترکیب دولت انتقالی و انتخاب رهبر آینده سوریه از خارج را نپذیرفت. امریکا اعتقاد داشت هرگونه انتقال قدرت باید بدون حضور اسد انجام بگیرد در حالی که روس ها بر حضور همزمان اسد و مخالفین در گفتگوها تاکید می کردند. (Hinnebusch: 14) و این ناسازگاری میان دو قدرت، بزرگترین مانع برای ادامه میانجیگری بود که میانجی هیچ ابزاری برای جلوگیری از آن نداشت. در تاریخ ۷ می ۲۰۱۳ طی ملاقات رسمی جان کری از مسکو، امریکا و روسیه به موافقتنامه ای در خصوص لزوم یک راه حل سیاسی برای حل بحران سوریه دست یافتند. وقوع حملات شیمیایی غوطه شرقی و بدنبال آن صدور قطعنامه ۲۱۱۸ شورای امنیت (UN Security Council, 2013) مداخله قدرت های بزرگ در بحران سوریه را سرعت بخشید. بهرغم اعتقاد ابراهیمی به نقش موثر ایران در حل بحران سوریه و دعوت بانکی مون از ایران برای حضور در کنفرانس بین المللی سوریه، بدنبال تهدید ائتلاف ملی مخالفان و فشار امریکا بر دبیرکل، بانکی مون دعوت خود را پس گرفت. اگرچه کنفرانس ژنو در روزهای ۲۲ الی ۳۱ ژانویه و ۱۰ الی ۱۵ فوریه سال ۲۰۱۴ برگزار شد و برای اولین بار حکومت سوریه با یکی از گروه های مخالفان در یک جا جمع شده بودند، اما گشایش و دستاورد خاصی حاصل نشد. (Hinnebusch: 16) با این حال، با تلاش های ابراهیمی و میانجیگری ایران حول محور موضوعات بشردوستانه، حکومت با خروج ۶۰۰۰ زن و کودک از منطقه تحت محاصره حمص موافقت نمود. از آنجاکه هیئت اعزامی از سوی حکومت سوریه، گروه مخالفان را تروریست می

دانست، ابتدا خواستار رسیدگی به موضوع تروریسم در کنفرانس بود و همین موضوع مانع ادامه پیشرفت در مذاکرات می شد به طوریکه ابراهیمی خطاب به هیئت سوری گفت: "اطمینان دارم دستورالعمل شما این بوده که به ژنو برویم، بدون آن که امتیازی بدهیم و بحث را بطور جدی دنبال کنیم." از سوی دیگر، نیز پافشاری گروه مخالفین بر خواسته خود مبنی بر عدم حضور بشار اسد در دولت آینده سوریه از دیگر دلایل عدم پیشرفت مذاکرات ژنو ۲ بود. (Lundgren: 5)

در اواسط فوریه پس از بمباران منطقه قلمون توسط نیروی هوایی سوریه، ابراهیمی ضمن عذرخواهی از مردم سوریه و ابراز تاسف، ادامه کنفرانس را به حالت تعلیق درآورد. (The Guardian, 2014) کمتر از دو ماه بعد و در پی اطلاع رسانی حکومت سوریه درباره برگزاری انتخابات ریاست جمهوری در ژوئن ۲۰۱۴ که به معنای خاتمه فرآیند ژنو بود، اخضر ابراهیمی استعفای خود را تقدیم کرد. مهمترین نقطه عطف نشست ژنو ۲، مذاکرات مستقیم طرفین جنگ بود.

یکی از استراتژی‌های ابراهیمی هم مانند عنان در ماموریت میانجیگری خود بکار برد اعمال فشار از بالا به پایین بود. به این معنا که قصد داشت از طریق ایجاد همگرایی میان امریکا و روسیه، از سوی آنها به سوریه و سایر کشورهای منطقه جهت حل بحران فشار وارد کند. با این حال، نه روسیه و نه امریکا نتوانستند دوستان خود را جهت مشارکت جدی در مذاکرات صلح متقاعد نمایند. شاید دلیل اصلی این امر اختلاف نظر امریکا و روسیه نسبت به وضعیت بشار اسد بود. در حالی که روسیه بشار اسد را رئیس جمهور مشروع و قانونی سوریه می دانست، امریکا وی را یک قاتل نامشروع محسوب می کرد. از این رو ابراهیمی یکی از عوامل شکست مذاکرات را ناتوانی قدرت های غربی در کسب دیدگاهی واقع گرایانه نسبت به اوضاع سوریه می داند. (Hinnebusch: 17) از عوامل منطقه ای ناکامی ابراهیمی می توان به اصرار اتحادیه عرب به کناره گیری بشار اسد از قدرت و همچنین مخالفت آنها و امریکا با حضور ایران در مذاکرات اشاره کرد. از نظر ابراهیمی ایران با توجه به نفوذی که بر اسد داشت می توانست وی را جهت رسیدن به توافق تحت تاثیر قرار دهد که امریکا و اتحادیه عرب مانع از انجام این امر شدند. علاوه بر آن، از آنجاکه ماموریت هر دو میانجی (عنان و ابراهیمی) از سوی سران ضد اسد عربی حمایت می شد، بشار اسد احساس خوبی نسبت به بیطرفی میانجیگری آنها نداشت. در حقیقت، هر دو میانجی در گرد هم جمع کردن کلیه طرف های درگیری محلی و حامیان منطقه ای آنها بر سر میز مذاکره ناموفق بودند. از اینرو، جلوگیری از حضور حزب "اتحادیه دموکراتیک" که حزب مسلط در مناطق کرد نشین سوریه است توسط ترکیه و ممانعت از حضور ایران توسط امریکا و عربستان، به موفقیت مذاکرات آسیب و لطمه ای جدی وارد نمود. (Asseburg: 36)

ج) استفان دی میستورا^۱: در تاریخ ۱۰ جولای ۲۰۱۴ دیپلمات مجرب ایتالیایی-سوئدی و کارمند با سابقه سازمان ملل، بعنوان نماینده ویژه سازمان ملل در سوریه تعیین شد. دی میستورا ۷۱ ساله پیش از آنکه فعالیت خود را در امور سوریه آغاز کند، در سالهای ۲۰۰۴-۲۰۰۱ نماینده دبیر کل سازمان ملل در لبنان، در سالهای ۲۰۰۹-۲۰۰۷ بعنوان نماینده ویژه دبیرکل سازمان ملل در عراق و در بازه زمانی ۲۰۱۱-۲۰۱۰ نیز در امور افغانستان فعالیت داشته است. دبیرکل بعد از مشورت با اتحادیه عرب، دیپلمات مصری "رمزی عزالدین رمزی" را بعنوان معاون وی منصوب نمود. در پی تشدید خشونت ها، دی میستورا تلاش نمود دوباره توجهات بین المللی را به سوریه معطوف نموده و جامعه بین المللی متشکل از قدرت های بزرگ و قدرت های منطقه ای از جمله ایران را در حل بحران سوریه دخیل و مسئولیت پذیر نماید. در غیاب یک چارچوب بین المللی مناسب، وی گفتگوها را بعنوان گفتگوهای تقسیم قدرت میان طرف های درگیر در سوریه که برای کسب پیروزی های نظامی تلاش می کردند، مد نظر قرار داد. همچنین، دی میستورا به مهار درگیری ها و اعتماد سازی از طریق ایجاد آتش بس روی آورد. ابتدا، او سعی نمود در شهر پر جمعیت حلب که بخشی از آن توسط شورشیان و بخشی دیگر توسط حکومت کنترل می شد، آتش بس برقرار نماید. با این حال، از ابتدا مشخص بود که طرفین درگیری، بدلیل ارزش بالای این شهر، قصد مصالحه کامل ندارند. علاوه بر آن، دی میستورا در ماههای اول ماموریت خود، با نمایندگانی از حکومت سوریه، مخالفان حکومت، گروه زنان، گروه های جامعه مدنی و طیف وسیعی از گروه های شورشی به منظور دستیابی به توافق و اجماع، مشورت و مذاکره نمود. به شرکت کنندگان در دو انجمن مشورتی دائمی (هیئت مشورتی زنان^۲ و اتاق پشتیبانی از جامعه مدنی^۳) این فرصت داده شده بود تا توجه جامعه مدنی را نسبت به دغدغه های زنان و موضوعات بشردوستانه جلب نموده، با نمایندگان سازمان ملل متحد تبادل نظر کرده، و با دونهای (حامیان مالی) احتمالی در ارتباط باشند. در نوامبر ۲۰۱۵ و پس از مداخله نظامی مستقیم روسیه در جنگ سوریه، در شهر وین یک توافقنامه بین المللی درباره آتش بس و انتقال سیاسی قدرت طبق ابتکار عمل روسی- امریکایی حاصل شد. براساس این توافق مقرر گردید اعضای به اصطلاح "گروه بین المللی پشتیبانی از سوریه"^۴ (ISSG) متشکل از همه بازیگران بین المللی و منطقه ای مربوطه از جمله ایران، مذاکرات رسمی میان طرف های درگیر در جنگ سوریه با میانجیگری سازمان ملل را حداکثر تا اوایل

1. Staffan de Mistura

2. The Women Advisory Board

3. Civil Society Support Room

4. International Syria Support Group

سال ۲۰۱۶ آغاز نمایند. قرار بود طیف وسیعی از نمایندگان سوری در این مذاکرات شرکت نمایند. مقرر بود قطعنامه مربوط به درگیری، اصول وحدت سوریه، استقلال، تمامیت ارضی و حقوق تمامی سوری ها صرف نظر از تفاوت های قومیتی و مذهبی آنان را تضمین نموده و نهادهای حکومتی را حفظ نماید. جهت تاسیس یک حکومت معتبر، فراگیر و غیر فرقه ای و همچنین تعیین جدول زمانی یک فرآیند قانونی، ۶ ماه در نظر گرفته شد. همچنین، مقرر شد ظرف مدت ۱۸ ماه انتخابات آزاد و عادلانه تحت نظارت سازمان ملل و با شرکت همه سوری ها از جمله آنهایی که خارج از این کشور هستند، برگزار گردد. نقش اصلی دی میستورا در این مرحله توصیه به طرف های منطقه ای و بین المللی مبنی بر رسیدن به توافق حتی بدون اجماع درخصوص موضوع آینده بشار اسد بود. در دسامبر ۲۰۱۵ شورای امنیت با صدور قطعنامه ۲۲۵۴ که به گفته جان کری مفاد آن همان طرح چهار ماده ای ایران بود، نقشه راه ISSG که براساس اعلامیه ژنو یک انتقال سیاسی قدرت تحت هدایت سوریه برای پایان دادن به جنگ را ترسیم کرده بود، به اتفاق آرا تایید نمود. قطعنامه مذکور نماینده ویژه را موظف می کرد مذاکراتی در ژنو میان طرف های درگیر در جنگ سوریه سازماندهی نموده و آتش بسی فراگیر و یک ساز و کار نظارتی مناسب ایجاد نماید. (UN Security Council, Resolution 2254) داعش و شاخه های القاعده مانند جبهه النصره از این آتش بس مستثنی شده بودند. اردن ماموریت داشت از طریق مشورت با سایر اعضای ISSG در مورد تعیین افراد و گروه های تروریستی که باید مورد هدف اقدامات مشترک قرار گیرند، اجماع ایجاد نماید. اجماعی که هرگز حاصل نشد! اعضای ISSG درخصوص اینکه چه کسی تروریست است و چه کسی به دلایل مشروع می جنگد تعاریف متناقضی داشتند؛ واگرایی که خصوصیت اختلافات در ابعاد گسترده تر بین المللی بوده و بعداً همین موضوع به مانعی جهت رعایت آتش بس تبدیل شد. مذاکرات درون سوری در اوایل فوریه ۲۰۱۶ شروع سختی داشت. دی میستورا بدلیل افزایش خشونت ها و محدودیت های شدید بر کمک های بشردوستانه، مذاکرات را در بعدازظهر روز دوم به حالت تعلیق درآورده و از قدرت های بزرگ تقاضا نمود محیط را برای ادامه مذاکرات فراهم آورند. در ۲۶ فوریه ۲۰۱۶ شورای امنیت سازمان ملل با تصویب قطعنامه ۲۲۶۸ موجب ایجاد آتش بسی فراگیر و ارتقای دسترسی بشردوستانه در مناطق مورد مناقشه شد. در ادامه، دی میستورا دور دوم گفتگوهای ژنو را در اواسط ماه مارس با هدف تشکیل حکومت انتقالی ظرف مدت شش ماه ترتیب داد. با این حال، نمایندگان طرف های درگیری از نشستن در کنار هم خارج از مذاکرات درون سوری امتناع کردند و دی میستورا و همکارانش به صورت جداگانه با هریک از طرف ها به مذاکره پرداختند. علاوه بر آن، تشدید خشونت ها به صورت مکرر میان

مذاکرات وقفه های طولانی مدت ایجاد می کرد. در سپتامبر ۲۰۱۶ همکاری میان امریکا و روسیه در قالب ISSG متوقف شد. نیروی هوایی امریکا مواضع حکومتی در دیرالزور را بمباران کرده و روسیه را بلحاظ حمله هوایی به کاروان کمک های بشردوستانه سازمان ملل در حوالی حلب سرزنش نمود. سپس، واشنگتن و مسکو ماموریت رئیس مشترک کارگروه آتش بس ISSG متوقف نموده و آن را به سازمان ملل محول نمودند. (Asseburg: 38) در پی بازگشت مجدد خشونت به حلب، اعضای ISSG در اواسط ماه می باهم دیدار کرده و بر اجرای اصول آتش بس تاکید نمودند؛ اما مذاکرات بار دیگر بر سر موضوع سرنوشت اسد متوقف شده و موضوعات آتش بس و انتقال سیاسی قدرت نیز معلق ماندند. (Lundgren: 6) با این شرایط، مذاکرات پیشرفت خاصی نداشت و میانجی سازمان ملل در ایجاد یک آتش بس پایدار یا جلوگیری از تشدید تنش ها و محافظت کامل از غیر نظامیان و یا حداقل نزدیک شدن به یک راه حل سیاسی برای خاتمه درگیری ها ناکام ماند و تلاش های وی صرفا به انجام نقش بشردوستانه سازمان ملل در مواردی خاص از طریق دیپلماسی و مذاکره منجر شد. استفان دی میستورا نماینده ویژه سازمان ملل در امور سوریه پس از چهار سال و نیم فعالیت از سمت خود کناره گیری کرد.

د) گیر اوتو پدرس^۱: در ۳۱ اکتبر ۲۰۱۸ آنتونیو گوترش دبیر کل سازمان ملل، گیر پدرس نروژی را بعنوان نماینده ویژه خود در امور سوریه معرفی کرد. وی که دارای سالها تجربه سیاسی و دیپلماتیک در ظرفیت های دولتی و همچنین سازمان ملل می باشد، از سال ۲۰۱۲ الی ۲۰۱۷ بعنوان نماینده دائم نروژ در سازمان ملل فعالیت نموده و از سال ۲۰۱۷ سفیر نروژ در کشور چین بوده است. علاوه بر آن، وی در کشور های لبنان و فلسطین نیز خدماتی به سازمان ملل ارائه نموده است.

پدرس در آغاز ماموریت خود در سوریه، به کلیه طرف های درگیری، اهمیت قطعنامه ۲۲۵۴ شورای امنیت و احترام به حاکمیت، وحدت، استقلال و تمامیت ارضی سوریه را جهت دستیابی به یک راه حل سیاسی متذکر شد و تاکید کرد یک فرآیند سیاسی واقعی به هدایت خود سوری ها که شامل همه از جمله زنان باشد، می تواند به صلحی پایدار منجر شود. وی براساس قطعنامه ۲۲۵۴، پایبندی به حقوق بین الملل، محافظت از غیر نظامیان، دسترسی های بشردوستانه، توقف خشونت ها، مقابله با تروریسم، انجام اقدامات اعتماد ساز و آزادی زندانیان سیاسی را از عوامل حیاتی خروج از بحران و انجام فرآیند قانونی و برگزاری انتخابات تحت

^۱. Geir Otto Pedersen

نظارت سازمان ملل عنوان کرد. اولویت اول پدرسین گفتگو با حکومت سوریه و "کمیسیون مذاکرات سوریه"^۱ و اطلاع از نظرات و نحوه همکاری آنها بود. در این راستا، پدرسین با ولید معلم وزیر خارجه سوریه در دمشق دیدار کرده و با استقبال وی جهت همکاری مواجه شد. پس از آن پدرسین به ریاض رفت و با ناصر حریری نماینده کمیسیون مذاکرات سوریه ملاقات کرده و رضایت مخالفان جهت انجام مذاکرات و اجرای مفاد قطعنامه ۲۲۵۴ را اخذ نمود. در مرحله بعد پدرسین با سفر به مسکو، قاهره، آنکارا، تهران، پاریس، برلین، بروکسل و سایر کشورهای ذینفع، از سران آن کشورها تقاضای مشارکت و حمایت سازنده در حل بحران سوریه نمود. وی در سخنرانی خود در شورای امنیت در فوریه ۲۰۱۹، پنج محور اصلی کار خود را بیان نمود. در وهله اول، وی ارتباط مستقیم و موثر خود بعنوان میانجی سازمان ملل با حکومت سوریه و گروه مخالفان و اعتماد سازی و توسعه گفتگوهای پایدار با همه طرف ها را ضروری دانست. از نظر پدرسین، گرد هم جمع کردن سوری ها در یک مذاکرات واقعی تحت نظارت سازمان ملل جهت توقف جنگ ویرانگر سوریه و از سرگیری مذاکرات صلح برای همه سوری ها الزامی بود. مورد دوم برای پدرسین، آزادی زندانیان و ایجاد دسترسی های بشردوستانه جهت اعتمادسازی میان طرفین بود. محور سوم، مشارکت طیف کاملی از همه سوری ها و نه فقط احزاب رسمی کشور در اعتماد سازی و دستیابی به صلح بود. در این راستا، گروه پدرسین ظرف مدت دو ماه با بیش از ۲۰۰ بازیگر جامعه مدنی سوریه در داخل و خارج کشور مشورت و گفتگو کرده و نظرات و رویکرد های آنان را جهت ایجاد یک صلح پایدار مد نظر قرار داد. حضور "هیئت توصیه ای زنان سوریه"^۲ در مذاکرات ژنو و تلاش برای بهبود حقوق زنان و تقویت مشارکت فعال آنها در فرآیندهای سیاسی در همین راستا بوده است. پس از گفتگو با طرف های مختلف بحران سوریه، پدرسین محور چهارم خود را که مورد پذیرش ملت سوریه هم می باشد، تشکیل یک کمیته قانون اساسی فراگیر و معتبر به رهبری و مالکیت خود سوری ها و تحت نظارت سازمان ملل جهت احیای فرآیند سیاسی عنوان کرد. به نظر وی، حکومت سوریه و گروه مخالفان جهت تضمین یک دسته اصول ضروری نحوه عملکرد کمیته قانون اساسی مذکور به مجموعه ای از مفاهیم نیازمند هستند که فقط از طریق گفتگو حاصل می شود. از نگاه پدرسین، حداقل ۳۰ درصد ترکیب کمیته مورد نظر را باید زنان تشکیل دهند. اگرچه پدرسین بر سوری بودن کمیته قانون اساسی تاکید داشت؛ اما از عامل مهم مداخلات خارجی در بحران سوریه و عملیات نظامی پنج کشور در خاک و آسمان این کشور غافل نشده و با در نظر گرفتن احتمال افزایش

¹. Syrian Negotiation Commission

². Syrian Women's Advisory Board

تنش های بین المللی حول محور جنگ سوریه، محور پنجم کار خود را ارتقا و بهبود گفتگوها و همکاری های بین المللی قرار داد. وی ضمن تاکید بر حفظ استقلال، وحدت و تمامیت ارضی سوریه، رسیدگی به برخی نگرانی های همسایگان این کشور را نیز از موضوعات مهم ماموریت خود می داند. پدرسین همچنین خواستار احترام جامعه بین المللی به قوانین بین المللی علیه استفاده از تسلیحات شیمیایی شد. پدرسین حل و فصل سیاسی بحران سوریه را مستلزم حمایت بازیگران بین المللی در چارچوب قطعنامه ۲۲۵۴ شورای امنیت و تقابل آنها با گروه های تروریستی مشخص شده در این قطعنامه عنوان کرد. از نظر وی، راه حل بحران سوریه باید خواسته ها و آرزوهای مشروع و قانونی مردم سوریه را تامین کرده و حاکمیت، استقلال و تمامیت ارضی سوریه را محترم شمارد. پدرسین ضمن تاکید مجدد بر عدم وجود راه حل نظامی برای حل بحران سوریه، پنج هدف ماموریت خود را به این صورت عنوان نمود:

- ۱- تعمیق و گسترش گفتگوهای پایدار با حکومت سوریه و گروه مخالفین و اعتماد سازی میان طرفین به منظور ایجاد یک محیط امن، آرام و بی طرف؛
- ۲- مشاهده اقدامات جدی تر در خصوص زندانیان، آدم ربایان و گمشدگان با مشارکت بازیگران مذاکرات آستانه (ایران، روسیه و ترکیه) و همه گروه های سوریه؛
- ۳- دخیل کردن طیف وسیعی از سوریه ها در فرآیند مذاکرات و انتقال سیاسی؛
- ۴- تشکیل کمیته قانون اساسی معتبر، فراگیر و متوازن در اسرع وقت؛
- ۵- کمک به طرف های بین المللی جهت تعمیق گفتگوهای خود به سوی هدف مشترک یک راه حل سیاسی معتبر و پایدار که از مشروعیت بین المللی برخوردار باشد. (8475th meeting of UN Security Council, 2019)

پدرسین عوامل پیچیده و مشکل شدن مسیر مذاکرات را نیز به این صورت دسته بندی نموده است:

- ۱- پیچیدگی های موجود در جامعه سوریه و تحولات جهان عرب از سال ۲۰۱۱؛
 - ۲- بافت و شرایط منطقه ای و عوامل جنگ نیابتی؛
 - ۳- عدم همکاری و نبود فهم مشترک میان اعضای دائم شورای امنیت.
- پدرسین تمام تلاش خود را نمود که کمیته قانون اساسی گسترده ترین طیف جامعه سوریه شامل ۵۰ نفر افراد معرفی شده توسط حکومت و ۵۰ نفر از افراد مخالفین به علاوه گروه سومی شامل نمایندگان جامعه مدنی را دارا باشد. علاوه بر آن، پدرسین چیدمان بین المللی متفاوتی را نسبت به پیشینیان خود طلب کرد که شامل گروه آستانه، همه اعضای دائم شورای امنیت و

گروه های کوچک می شد. حمایت و پشتیبانی از فرآیند ژنو خواسته پدرسن از بازیگران مذکور است که این امر البته نیازمند درک عمیق تر روسیه و امریکا می باشد.

از دیگر تلاش های پدرسن می توان به اهمیت قائل شدن به نقش زنان در رسیدن به یک توافق پایدار اشاره نمود. وی معتقد است اگر زنان و خواسته های آنان نادیده گرفته شوند، این امر تاثیر منفی بر مذاکرات خواهد گذاشت. زیرا نه تنها زنان تشکیل دهنده نیمی از جمعیت می باشند بلکه زنان می توانند موضوعات و ایده های متفاوتی به مذاکرات اضافه نمایند؛ موضوعاتی حتی فراتر از به اصطلاح "موضوعات زنان". از همین رو، پدرسن نیز مانند دی میستورا ملاقات هایی با هیات مشورتی زنان ترتیب داده و گفتگوهای جدی باهم داشتند.

در نهایت، با تاسیس کمیته قانون اساسی در ژنو در سپتامبر ۲۰۱۹ نمایندگان حکومت سوریه و مخالفین و جامعه مدنی روند مذاکرات درباره قانون اساسی را آغاز نمودند. اعضای کمیته موظف هستند قانون اساسی سوریه را قبل از انجام انتخابات، اصلاح نمایند. پدرسن در افتتاحیه آن گفت: "نشست های کمیته قانون اساسی تلاش برای برگزاری مذاکراتی جدید پس از هشت سال بحران است. خطر تروریسم همچنان سوریه را تهدید می کند. قانون اساسی متعلق به سوری ها بوده و تدوین و نگارش آن هم به دست خود آنها است. سازمان ملل آماده تسهیل مسیر سیاسی و مسیر مذاکره است و عملکرد کمیته قانون اساسی بی شک با مشکلات و سختی هایی همراه خواهد بود." کمیته ۱۵۰ نفری قانون اساسی سوریه قرار است راه را برای اصلاحات سیاسی آزاد و عادلانه با نظارت سازمان ملل در سوریه بعد از جنگ هایی که صدها هزار کشته و میلیون ها آواره به جا گذاشته، هموار کند.

اولین جلسه کمیته در اکتبر ۲۰۱۹ در دفتر سازمان ملل در ژنو برگزار گردید. "احمد الکزبری"^۱ بعنوان نماینده هیئت تحت حمایت حکومت سوریه از وجود تروریسم در سوریه ابراز تاسف کرده و از فداکاری های ارتش سوریه در مقابل این پدیده قدردانی کرد. "هادی البجرا" هم بعنوان نماینده مخالفان اظهار داشت زمان آن رسیده است که آنها باور کنند که پیروزی در سوریه دستیابی به عدالت و صلح است و نه پیروزی در جنگ.

مخالفین حکومت سوریه تلاش های خود را برای بازگشت به نسخه اصلاح شده از منشور قانون اساسی سوریه در سال ۱۹۵۰ که بطور قابل توجهی قدرت و اختیارات رئیس جمهور را محدود کرده و در عوض موقعیت نخست وزیر را ارتقا می دهد، متمرکز کردند. این تلاش ها توسط حکومت سوریه با واکنش تندی مواجه شده و قاطعانه رد شد. از دیگر پیشنهادات مطروحه در کمیته، شناسایی زبان کردی بعنوان زبان دوم و حذف واژه "عربی" از نام رسمی

^۱. Ahmad kuzbari

سوریه (جمهوری عربی سوریه) بود. (Sami Moubayed, Syria Constitutional Committee convenes with historic opposition involvement, 2019)

جلسه دوم کمیته در اواخر نوامبر ۲۰۱۹ بدون هیچ توافقی به پایان رسید. نمایندگان دولت سوریه دستور کار آنچه را که "ستون های ملی مردم سوریه" لقب داده بودند، ارائه کردند. این دستور کار، دخالت خارجی ها بویژه ترکیه در جنگ داخلی سوریه را رد کرده، رفع تحریم های سوریه را خواستار شده و گروه های شورشی مسلح در سوریه را تحت عنوان تروریست محکوم کرد. در مقابل، نمایندگان مخالفان دستور کار پیشنهادی حکومت را رد کرده و نمایندگان حکومتی را به تلاش برای ایجاد خرابکاری در ادامه فعالیت کمیته متهم ساختند. نمایندگان مخالفان نیز پیشنهادهای مطرح کردند که هدف آنها بیشتر ایجاد تغییراتی در اصول و مبانی قانون اساسی سوریه بود. نمایندگان حکومت نیز ضمن رد این پیشنهادات اعلام کردند آنها تا زمانی که کمیته، "بیانیه ارزش ها"^۱ که مداخله خارجی ها را محکوم می کند، نپذیرفته باشد، از قبول هر پیشنهادی امتناع می ورزند. در ادامه نیز طرفین ضمن رد پیشنهادات طرف مقابل، یکدیگر را به عدم همکاری متهم نمودند و جلسه به همین صورت خاتمه یافت و پدرسن اعلام کرد هیچ تاریخی برای نشست بعدی کمیته تعیین نشده است. (Special Envoy urges Syria amid Government, Opposition to Agree on Constitutional Committee Agenda Security Council Appeals for Nationwide Ceasefire, 2019)

در دسامبر ۲۰۱۹ پدرسن شرایط را به بن بست رسیده توصیف کرد و از طرفین بحران خواست درباره یک دستور کار توافق نمایند؛ چراکه بدون آن، دلیلی برای دور سوم نشست های کمیته قانون اساسی وجود ندارد. پس از یک وقفه چندین ماهه دور سوم کمیته قانون اساسی در سپتامبر ۲۰۲۰ تحت شرایط متاثر از کووید-۱۹ و دور چهارم نیز در ماه نوامبر برگزار گردید. موضوع تغییر قانون اساسی بعنوان مهمترین خواسته گروه مخالفان مجددا در این نشست ها مطرح گردید. مباحثی از قبیل اصول ملی، پناهندگان، موضوعات بشردوستانه و رد هرگونه طرح های جدایی طلبانه نیز موارد مطروحه از سوی نمایندگان حکومت سوریه بود. گیر پدرسن با بیان اینکه نمایندگان دو طرف مسائل مختلف پرونده سوریه را مورد بررسی قرار دادند، افزود: "اختلاف نظرهایی میان آنها وجود داشت، اما با این حال شاهد نقاط و نظرات مشترک میان آنها درباره برخی از مسائل نیز بوده ایم." در ژانویه ۲۰۲۱ نیز دور پنجم این مذاکرات به ریاست پدرسن به مدت پنج روز در ژنو برگزار گردید. پس از پایان این دور از مذاکرات، نماینده سازمان ملل آن را ناامید کننده توصیف کرد و گفت این دور از مذاکرات دستاورد خاصی نداشت و حتی بر سر موعد برگزاری دور بعدی نیز توافقی حاصل نشد! به نظر می رسد بی اعتمادی طرفین

¹. Statement of Values

نسبت به یکدیگر مهم ترین عامل شکست این دور از گفتگو ها باشد؛ چراکه هر دو طرف، دیگری را به کارشکنی و نادیده گرفتن پیشنهادات طرف مقابل متهم می کند. عامل مهم دیگر، نادیده گرفتن واقعیت های کنونی سوریه از سوی مخالفان و عامل سوم نیز مداخله خارجی است. در واقع، اینگونه به نظر می رسد مخالفان که تحت حمایت کشورهای خارجی نیز قرار دارند، در تلاش هستند شکست های میدانی را در قالب گفتگوها برای تدوین قانون اساسی جدید سوریه جبران کنند. در همین راستا، «احمد الکزبری» عنوان کرد طرف مقابل پیشنهادهایی ارائه می دهد که از یکسو از واقعیت های سوریه به دور است و از سوی دیگر به نظر می رسد انعکاس برنامه های برخی کشورها در خصوص سوریه است. از جمله این پیشنهادها، معرفی فدرالیسم برای شکل نظام سیاسی آینده سوریه است. اختلاف نظر در مورد دستور کار یکی از اصلی ترین موانع پیشرفت کار این کمیته است و محافل داخل مخالفان دولت سوریه خواستار تغییر اعضای هیئت مذاکره بدلیل بی کفایتی شدند. یکی از نکات جالب توجه این دور از مذاکرات، عدم ملاقات پدرس با انس عبده رئیس هیئت مخالفان بود. به نظر می رسد از نظر گروه مخالفان، ریاست عبده بر این گروه مشروع و مقبول نبوده و این انتخاب صرفا با اصرار عربستان انجام شده است. در نتیجه، فضای این دور از مذاکرات هم با دورهای پیشین تفاوتی نداشته و بدون هیچ دستاورد خاصی به پایان رسیده است. (پشت پرده شکست دور پنجم مذاکرات کمیته قانون اساسی سوریه، ایسنا، ۱۳۹۹)

نتیجه گیری

سازمان ملل متحد در صورت لزوم تلاش می نماید از طریق نمایندگان ویژه خود نوعی از ماموریت های میانجیگری "پیشگیرانه" را جهت حل و فصل اختلافات قبل از آغاز درگیری ها بکار گیرد تا با هزینه کمتری موفق به ایجاد صلح گردد. رویکرد دبیرکل سازمان ملل بر تمرکز کار سازمان در زمینه صلح و امنیت از طریق پیشگیری و افزایش دیپلماسی، رسالت تاسیس سازمان ملل را مورد تأکید قرار می دهد. سازمان ملل متعهد شده است که از یک فرهنگ "واکنشی" به یک رویکرد "پیشگیرانه" تغییر رفتار دهد. نمایندگان ویژه ای که از سوی دبیرکل جهت میانجیگری تعیین می شوند، نقش برجسته ای در موفقیت ماموریت های صلح ایفا می نمایند. اعتبار بین المللی، تجربه کاری، تسلط به زبان و فرهنگ طرفین اختلاف و سطح ارتباطات یک نماینده از ویژگی های مهمی جهت موفقیت نمایندگان ویژه محسوب می شوند. از دیگر عوامل و تحولات مهم در موفقیت های میانجیگری سازمان ملل، نقش گروه های جامعه مدنی بویژه گروه های زنان و جوانان در گفتگوهای صلح می باشد. همانطور که در مورد سوریه

این موضوع مورد بررسی قرار گرفته است، خواسته های جامعه مدنی در کنار مطالبات گروه های سیاسی نقش بسزایی در پیشبرد مذاکرات صلح میان طرفین اختلاف دارند. در بحران مذکور، با توجه به ضعف دولت مرکزی، شاهد میانجیگری سازمان ملل در درگیری های مسلحانه غیر بین المللی می باشیم که این خود نیز تحولی در ماموریت های میانجیگری این سازمان محسوب می شود.

رویکرد میانجیان سازمان ملل در سوریه، مهار جنگ داخلی و ایجاد ثبات در کشور از طریق تقسیم قدرت بین حکومت و مخالفان حکومت و همچنین انتقال سیاسی قدرت به رهبری خود سوریه و ایجاد یک نظام سیاسی فراگیرتر بود. در همین راستا، مذاکرات موازی در مورد آتش بس از یکسو و تقسیم قدرت و انتقال سیاسی از سوی دیگر برگزار شد. با این حال، نه دی میستورا و نه پیشینیان او ابراهیمی و عنان نتوانستند طرف های درگیری را برای انجام یک مذاکرات سازنده و اساسی دور هم جمع نمایند. در دوره پدرسن هم که طرفین درگیری در کمیته قانون اساسی شرکت کردند، تاکنون توافقی حاصل نشده است. دی میستورا حتی در مذاکرات غیر مستقیم نتوانست پیشرفتی در تقسیم قدرت و فرآیند انتقال سیاسی ایجاد نماید و جز تعدادی توافقنامه درباره آتش بس، انتقال کمک های بشردوستانه و تخلیه غیرنظامیان از مناطق جنگی، چیز دیگری حاصل نشد و در نهایت تحولات نظامی بود که دامنه و روند میانجیگری را تعیین می نمود. با بین المللی شدن درگیری ها، از همان آغاز پرواضح بود که گفتگوهای درون سوری پیشرفتی به خود نخواهد دید. علاوه بر آن، هیچ یک از قدرت های منطقه ای و بین المللی نیز بر اهمیت موضوعاتی از قبیل محافظت از غیرنظامیان و جنایات جنگی تمرکز نکرده بودند. درحقیقت، از سال ۲۰۱۶ تاکنون (اواسط سال ۲۰۲۱) نه فرآیند میانجیگری سازمان ملل و نه مسیرهای میانجیگری جایگزین مانند مذاکرات آستانه پیشرفت مهمی در هسته موضوعات سیاسی اختلاف، ایجاد نکرده اند. این عدم موفقیت بدلیل موانعی از قبیل: وجود شکاف در گروه مخالفان که بندرت صدای واحدی دارند، مداخله خارجی که توقعات نظامی را افزایش داده و عدم وحدت قدرت های بزرگ که تلاش های سازمان ملل را بی نتیجه کرده، حاصل شده است. یکی از موانع اساسی برای پیشرفت در مذاکرات، اختلاف نظر در مورد ماهیت و میزان اصلاحات سیاسی مورد نیاز بود؛ بخصوص در مورد انتقال سیاسی قدرت که طرف های اصلی، مواضع متناقض و غیر منعطفی داشتند. از منظری وسیع تر، مورد سوریه برخی از الگوهای مهم در مدیریت جنگ های داخلی در خاورمیانه و در سطح جهان را نشان می دهد. بطور خاص تلاش های سازمان ملل برای حل یک جنگ داخلی طبق آنچه

"استدمن"^۱ و "گوان"^۲ آن را "رفتار استاندارد"^۳ نامگذاری کرده اند، فرض می شود: طبق این استدلال از طریق مذاکرات سیاسی که به موافقتنامه صلح می انجامد و تحت نظر جامعه بین المللی موافقتنامه اجرا می شود، جنگ های داخلی باید پایان یابند. بنابراین، یکی از نکات آموزنده مورد سوریه می تواند برملا شدن محدودیت های موجود در "رفتار استاندارد" و مذاکرات معطوف به صلح باشد. تجربه سوریه نشان می دهد که اعتبار نظریه فوق وابسته به شرایط خاصی است. یکی از عوامل برجسته آن، اهرم و اعتباری است که از پشتیبانی گسترده قدرت های بزرگ ناشی می شود؛ این عامل برای میانجیان سازمان ملل در سوریه فراهم نشد. و با توجه به ادامه تنش های موجود میان اعضای دائم شورای امنیت، به احتمال زیاد این پشتیبانی در آینده نیز فراهم نخواهد شد. به علاوه، میانجیگری در شرایط استاندارد، به همکاری رژیم حاکم نیز احتیاج دارد. میانجی های سازمان ملل در سوریه از چنین همکاری آنطور که باید برخوردار نشدند؛ هم بدلیل شرایط بشار اسد و حمایت روسیه از وی، و هم به علت مواضع ضد اسد برخی کشورهای منطقه بویژه عربستان که میانجیگری را تحت تاثیر خود قرار داده بود. یکی دیگر از سختی های کار میانجیگری در سوریه، حل و فصل بحران ضمن رعایت قاعده عدم مذاکره با تروریست ها بود. تلاش های دیپلماتیک در رابطه با موضوع سوریه، هم در قالب فرآیند سازمان ملل و هم روند مذاکرات آستانه، گفتگوهای سیاسی را به موازات مقابله با تروریسم دنبال کرده اند. با این حال، از آنجاکه گروه های تروریستی و سایر بازیگران موجود در جنگ سوریه در هم آمیخته شده اند و با توجه به عدم توافق در خصوص شناسایی گروه های تروریستی، تشخیص زمان و نوع روش مقابله با آنها از دیگر سختی های کار میانجیگری در سوریه است. این موضوع به راحتی منجر به از سرگیری درگیری ها و نقض آتش بس می شود.

ماموریت میانجیگری در سوریه بدنبال استفاده از روش هایی است که برای استفاده در دروان پس از جنگ سرد ایجاد شده اند؛ چراکه میانجیگری در قالب شرایط استاندارد، مناسب وضعیت جنگ سرد که در آن قدرت های بزرگ باهم رقابت داشتند، نمی باشد. با توجه به رقابت میان امریکا و روسیه و عدم توافق آنها در خصوص بحران سوریه، بار دیگر شرایط جنگ سرد احیا شده و همین موضوع ظهور فرآیند مذاکرات آستانه را موجب گشته است.

1. Stedman

2. Gowan

3. Standard Treatment

منابع و مأخذ

فریدی عراقی، عبد الحمید، «روش های مسالمت آمیز حل و فصل اختلافات بین المللی»، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، ۱۳۶۹
ساعتچی، مینا، نقش مدیریت میانجیگرانه سازمان ملل در بحران سوریه و مقابله با داعش ۲۰۱۶-۲۰۱۰، دومین کنفرانس ملی پژوهش های نوین در مدیریت و حقوق، ۱۳۹۷
سجادپور، محمد کاظم، باغبان سعید، بررسی قطعنامه های سازمان ملل متحد در رابطه با بحران سوریه، فصلنامه سیاست خارجی، تابستان ۱۳۹۹

پایان نامه

باغبان، سعید، "شورای امنیت سازمان ملل متحد و بحران سوریه"، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده روابط بین الملل وزارت امور خارجه، آذر ۱۳۹۶.

Gowan, Richard, Stephen John Stedman, "The International Regime for Treating Civil War 1988-2017, Daedalus, MIT Press, 2018

Asseburg, Muriel, Lacher, Wolfram, Transfeld, Mareike, "Mission Impossible?, UN Mediation in Libya, Syria, and Yemen", SWP Research Paper, German Institute for International and Security Affairs, 2018

Hafeez Ullah Khan and Waseem Khan, "Syria: History, The Civil War and Peace Prospects", Journal of Political Studies, Vol. 24, Issue - 2, 2017

Hinnebusch, Raymond, Zartman, William, Parker, Elizabeth, Imady, Omar, "UN Mediation in Syrian Crisis: From Kofi Anan to Lakhdar Brahimi", International Peace Institute, March 2016

Lundgren, Magnus, "Mediation in Syria: Initiatives, Strategies, Obstacles", Contemporary Security Policy, Stockholm University, 2016

Skjelsbaek, Kjell, The UN Secretary General and the Mediation of International Disputes, Norwegian Institute of International Affairs, Journal of Peace research, Vol 28, 1991

<http://unreport.blogspot.de/2012/07/bans-report-on-unsmis-syria.html>

<https://www.isna.ir/news/99111410827>

<http://www.ohchr.org/Documents/Countries/SY/HRDAGUpdated>

<https://undocs.org/pdf?symbol=en/S/PV.8475>

<https://www.hdcentre.org/wp-content/uploads/2019/06/Moving-forward-Geir-O-Pedersen-on-developments-in-Syria.pdf>

<https://www.spiegel.de/international/world/interview-with-former-un-peace-envoy-to-syria-lakhdar-brahimi-a-974036.html>

Sami Moubayed, Syria Constitutional Committee convenes with historic opposition involvement, 2019, available at: <https://theArabweekly.com/syrias-constitutional-committee-convenes-historic-opposition-involvement>,

Special Envoy urges Syria's Government, Opposition to Agree on Constitutional Committee Agenda amid Security Council Appeals for Nationwide Ceasefire, <https://www.un.org/press/en/2019/sc14065.doc.htm>, 20 DECEMBER 2019

<https://www.un.org/press/en/2019/sc14065.doc.htm>

<https://www.un.org/sg/en/content/profiles/geir-pedersen>

<https://www.un.org/undpa/en/Speeches-statements/14112015/syria>
The Guardian, Syria peace talks break up as UN envoy fails to end deadlock
www.theguardian.com/world/2014/feb/15/syria-peace-talks-break-up-geneva
<https://thearabweekly.com/syrias-constitutional-committee-convenes-historic-opposition-involvement>
www.un.org/apps/news/story.asp?NewsID=47007#.VfXhZ2RVikp
<https://www.thenational.ae/uae/quartet-s-chances-for-syria-peace-may-bebleak-1.402688>
Interview, Moving Forward: Geir O Pedersen on Developments in Syria, Oslo Forum, May 2019, <https://www.hdcentre.org/wp-content/uploads/2019/06/Moving-forward-Geir-O-Pedersen-on-developments-in-Syria.pdf>
Calculations of fatalities statistics based on Megan Price, Anita Gohdes, and Patrick Ball updated statistical analysis of documentation of killing in the Syrian Arab Republic, report commissioned by the UN high commissioner for Human Rights, Human Rights Data Analysis Group, 2014
S/2012/469 UN document
S/2012/470 UN document
Statement of the International Syria Support Group Vienna, 14 November 2015
Plan of Action of the League of Arab States of 2 November 2011 and the decisions of the League of Arab States of 22 January and 12 February 2012
United Nation Charter

قطعه‌نامه

Resolution 2042, The situation in the Middle East, Adopted by the Security Council at its 6751st meeting, United Nations on 14 April 2012, <http://unscr.com/en/resolutions/doc/2042>
Resolution 2043, The situation in the Middle East, Adopted by the Security Council at its 6756st meeting, United Nations on 21 April 2012, <http://unscr.com/en/resolutions/doc/2043>
Resolution 2118, Middle East, Adopted by the Security Council at its 7038st meeting, United Nations on 27 April 2013, <http://unscr.com/en/resolutions/doc/2118>
Resolution 2254, Middle East (Syria), Adopted by the Security Council at its 7588st meeting, United Nations on 18 December 2015, <http://unscr.com/en/resolutions/doc/2254>
Resolution 66/253, The situation in the Syrian Arab Republic, adopted by the General Assembly at its Sixty-sixth session, United Nations on 16 February 2012, <https://undocs.org/en/A/RES/66/253>
Human Rights Council resolution S-16/1 of 29 April 2011, <https://www.ohchr.org/Documents/Countries/SY/HRC-RES-S-16-1.pdf>
Human Rights Council resolution 1 S-17/1 of 23 August 2011, https://www.ohchr.org/Documents/HRBodies/HRCouncil/CoISyria/ResS17_1.pdf
Human Rights Council resolution S-18/1 of 2 December 2011, https://www.ohchr.org/Documents/HRBodies/HRCouncil/SpecialSession/Session18/A-HRC-RES-S-18-1_en.pdf



پروشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی